



Woman in Culture and Arts

The Role of the Women's Organization of Iran in the Cultural Modernization of Women's Society through the Campaign against Illiteracy (1966-1979)

Nooroddin Nemati^{1✉} | Fatemeh Samiei²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: n.nemati@ut.ac.ir

2. PhD Student in History of Iran after Islam, Tehran, Iran. E-mail: samiei.f@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 2 October 2024 Received in revised form: 13 January 2025 Accepted: 20 January 2025 Published online: 2 October 2025 Keywords: <i>Cultural Modernization,</i> <i>Elevation of Women's Status,</i> <i>Fight against Illiteracy,</i> <i>Women's Freedom,</i> <i>Women's Organization of Iran.</i>	With the preparation of the White Revolution Charter in 1962, achieving development was established as the main strategy of the country. In this strategy, economic development was regarded as the cornerstone of a paradigm shift toward equitable development across all areas. The most significant impediment to economic development was determined to be the widespread illiteracy of the populace. A new lifestyle necessitated a distinct worldview as a result of this development. Therefore, economic development programs were perceived as complementary to the cultural foundations of society, which were altered through education and the promotion of a new lifestyle. In this context, women were instrumental in the cultural transformation, and the primary impediment to the implementation of development programs was the illiteracy of many women. Thus, the primary inquiry of the article is: What was the rationale and methodology behind the development and implementation of adult women's literacy programs in order to effectuate this cultural transformation? The strategies and policies for cultural change were clarified in order to address this question, and the role and performance of the Women's Organization of Iran as the custodian of this modernization in women's society were examined using the concept of cultural modernization and a descriptive-analytical approach. Based on the research findings, "women's freedom" and "elevation of women's status" were two major themes in this discourse, aiming first to increase the number of literate women, thus creating a new image of women that would pave the way for the transformation of traditional roles and the reproduction of western culture through them.
Cite this article: Nemati, N., & Samiei, F. (2025). The Role of the Women's Organization of Iran in the Cultural Modernization of Women's Society through the Campaign against Illiteracy (1966-1979). <i>Woman in Culture and Art</i>, 17(3), 325-342. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2025.383052.2087	
© The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2025.383052.2087	



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

نقش سازمان زنان ایران در نوسازی فرهنگی جامعه زنان از طریق برنامه پیکار با بی‌سوادی (1345-1357)

نورالدین نعمتی^۱ | فاطمه سمیعی^۲1. نویسنده مسئول، دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: n.nemati@ut.ac.ir2. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: samiei.f@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	با تهیه منشور انقلاب سفید در سال 1341، دستیابی به توسعه راهبرد اصلی کشور تعیین شد. در این راهبرد، توسعه اقتصادی زیربنای جهش به توسعه متوازن در تمام عرصه‌ها قلمداد شد. بی‌سوادی شمار بسیاری از مردم، بزرگترین مانع در کسب توسعه اقتصادی بود. از طرفی این توسعه سبک جدیدی از زندگی را به دنبال داشت که نیازمند جهان‌بینی متفاوتی بود؛ بنابراین، تغییر در بنیادهای فرهنگی جامعه که از طریق آموزش و پرورش سبک جدید زندگی صورت می‌گرفت، مکمل برنامه‌های توسعه اقتصادی در نظر گرفته شد. زنان در این میان، رکن اصلی را در این تغییر فرهنگی ایفا می‌کردند و بی‌سوادی شمار بسیاری از آنان، مانع اصلی تحقق برنامه‌های توسعه توصیف شد. از این رو، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که برنامه‌های سوادآموزی زنان بزرگسال چرا و چگونه سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری شد تا این تغییر فرهنگی را به وجود آورد. برای پاسخ به این پرسش، با استفاده از مفهوم نوسازی فرهنگی و به روش توصیفی-تحلیلی، راهبردها و سیاست‌گذاری‌های تغییر فرهنگی تبیین و نقش و عملکرد سازمان زنان ایران به‌عنوان متولی این نوسازی در جامعه زنان بررسی شد. براساس یافته‌های پژوهش، «آزادی زنان» و «اعتلای مقام زن» دو کلان‌طرح در این گفتمان بودند تا از این طریق، در گام نخست با افزایش شمار زنان باسواد، تصویر جدید از زن را ذائقه‌پذیر کنند تا در پی آن، فرایند تغییر نقش‌های سنتی زنان و بازتولید فرهنگ غربی توسط آنان آغاز شود.
تاریخ دریافت: 1403/07/11	
تاریخ بازنگری: 1403/10/24	
تاریخ پذیرش: 1403/11/01	
تاریخ انتشار: 1404/07/10	
کلیدواژه‌ها:	
آزادی زن، اعتلای مقام زن، پیکار با بی‌سوادی، سازمان زنان ایران، نوسازی فرهنگی.	

استناد: نعمتی، نورالدین و سمیعی، فاطمه (1404). نقش سازمان زنان ایران در نوسازی فرهنگی جامعه زنان از طریق برنامه پیکار با بی‌سوادی (1345-1357). زن در فرهنگ و هنر، 17(3)، 342-325. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2025.383052.2087>

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2025.383052.2087>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

1. مقدمه

از سرگیری پرشتاب برنامه نوسازی در ایران با آغاز دهه چهل شمسی، به شکل‌گیری برنامه‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های راهبردی برای نوسازی و توسعه توسط حکومت منجر شد. در نتیجه در این دوره، کشمکش میان پارادایم سنت و مدرنیته در فضای نخبگانی و تصمیم‌سازی کشور به نفع اندیشه تضاد میان این دو عرصه و رویگردانی از سنت به پایان رسید.

در نتیجه آن، نقش زنان در نوسازی و توسعه ایران در کانون سیاست‌گذاری‌های دولت مورد توجه قرار گرفت. «آزادی زنان» و «اعتلای مقام زن» دو طرح اصلی گفتمان نوسازی در موضوع زنان در این دوره بودند. مبارزه با سنت‌های دست‌وپاگیر، آگاسازی زنان از حقوق مدرن، وضع قوانین مساوی میان زن و مرد، اشتغال، استقلال و مشارکت هرچه بیشتر زنان در امور سیاسی، اجتماعی و کمک به رشد و سازندگی کشور، ابعاد مختلف این برنامه‌ها را شامل می‌شد. به دنبال آن، این مسئله مطرح شد که زنان ایران در برخورداری از حقوق جدید خود چه نوع فعالیت‌هایی باید داشته باشند، ایدئولوژی کدام است و بالاخره چه روش‌هایی زنان را برای رسیدن به هدف کمک خواهد کرد. پاسخ به این سؤال ممکن نبود مگر در سایه یک تشکیلات مشخص و استوار که به‌طور مستمر و پیگیر مسائل فوق را دنبال کند. بدین‌ترتیب، در 28 آبان 1345 نخستین مجمع عمومی سازمان زنان ایران تشکیل شد. براساس بررسی‌هایی که در آن زمان انجام شد، سازمان زنان ایران در مرحله نخست، پرداختن به مسائل گروه‌های کم‌درآمد و کم‌سواد را که وسیع‌ترین و نیازمندترین گروه‌ها بودند، وظیفه خود شناخت و آموزش سواد و حرفه را محور اصلی فعالیت‌های خود برای گروه‌های مورد نظر تعیین کرد و برای آنکه فعالیت مزبور نتیجه‌بخش باشد، فعالیت‌های جنبی و تکمیلی را نیز دنبال کرد.

(The Report of the Women's Organization of Iran, 1978: 3-5).

بدین‌ترتیب، طرح مبارزه با بی‌سوادی زنان، گام نخست تحول در امر نوسازی فرهنگی ایران و جهش به سمت توسعه در جامعه زنان تعریف شد که لازمه آن اصلاح فرهنگی و بازتولید فرهنگ غربی از طریق زنان بود. از این‌رو مقاله پیش‌رو به این مسئله می‌پردازد که سازمان زنان به‌عنوان متولی اجرای طرح‌های نوسازی حکومت در موضوع زنان، چه نقشی در اصلاح فرهنگی و مدرنیزه کردن جامعه زنان داشت، سیاست‌گذاری‌ها در جهت اصلاح فرهنگ سنتی جامعه زنان چه راهبردهایی را هدف‌گذاری کردند و برنامه آموزش زنان بزرگسال و طرح سوادآموزی مدنظر آنان چگونه طرح‌ریزی شده بود تا به این اهداف کمک کند.

2. پیشینه پژوهش

پیش از این، درباره موضوع سوادآموزی و سازمان زنان ایران در دوره پهلوی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. کتاب *سازمان زنان ایران* (Ranjbar Omrani, 2008) از جمله این موارد است. نویسنده در این کتاب، مسیر دگرگونی و نوسازی جایگاه اجتماعی زنان ایرانی را از زمان شکل‌گیری انجمن‌های زنان در دوره قاجاریه تا تأسیس سازمان زنان ایران بررسی کرد و به اهداف و کارکردهای تشکیل سازمان زنان، نحوه مدیریت و کارگروه‌های آن پرداخت. در این پژوهش، تنها اشاره‌ای جزئی به برنامه مبارزه با بی‌سوادی زنان بزرگسال شد.

در مقاله «انقلاب مسالمت‌آمیز: مروری بر فعالیت‌ها و دستاوردهای سازمان زنان ایران (1357-1343)» (Afkhani, 1997) نویسنده که خود در دهه پنجاه شمسی دبیر کل سازمان زنان بوده، طرح‌ها، برنامه‌ها و به‌طور کلی استراتژی سازمان را که مبتنی بر اجرای برنامه انتقال عملی و ذهنی از سنت به مدرنیته در جامعه زنان بود، مورد ملاحظه قرار داد و شکل‌گیری آن را حاصل نزدیک به یک قرن جنبش زنان توصیف کرد. از این‌رو در این مقاله، اقدامات متجددانه سازمان و ایستادگی در برابر مخالفت گروه‌های محافظه‌کار دولتی و عناصر سنتی جامعه، از مهم‌ترین دستاوردهای سازمان بیان می‌شود.

از مطالعات دیگر می‌توان از دو مقاله «بررسی عملکرد کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی در عرصه‌های بین‌المللی و ملی طی سال‌های 1357-1344» (Sajadi, 2018) و «بررسی تشکیلات و برنامه‌های ملی پیکار با بی‌سوادی در دوره پهلوی دوم» (Sajadi, 2017) نام برد. نگارنده در این مقاله‌ها مسئله مبارزه با بی‌سوادی در ایران را از دوره قاجاریه بررسی کرد و با تمرکز بر دو دهه پایانی حکومت پهلوی، نحوه شکل‌گیری کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی و فعالیت‌های این کمیته برای مبارزه با بی‌سوادی، برگزاری کلاس‌های سوادآموزی، تهیه کتاب‌های درسی برای نوسوادان و برپایی همایش‌های ملی و بین‌المللی را مطالعه کرد و همکاری‌هایی را که این کمیته با سازمان‌هایی مانند سازمان زنان ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و یونسکو داشته توصیف کرد.

در این پژوهش‌ها، سوادآموزی زنان بزرگسال به‌عنوان جزئی از برنامه ملی پیکار با بی‌سوادی مطرح شده و تنها روند گاه‌نگاری این برنامه‌ها توصیف شده است. اما تحقیق حاضر، سوادآموزی زنان را به‌عنوان یکی از نقشه‌های راه برنامه کلان نوسازی فرهنگی و دستیابی به توسعه مورد توجه قرار می‌دهد. از این‌رو در این مقاله به جای بررسی صرف روند تاریخی طرح‌های سوادآموزی، سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای تعیین‌شده توسط متولیان تصمیم‌ساز کشور در راستای ایجاد نوسازی فرهنگی در جامعه زنان تبیین می‌شود تا بتوان از آن طریق، تحلیل همه‌جانبه‌ای از طرح‌های سوادآموزی زنان به‌دست داد.

3. چارچوب مفهومی: نوسازی فرهنگی

نظریه مدرنیزاسیون در دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی، پارادایم مسلط در نظریات توسعه بود. هرچند گفتمان مرکزی نظریه نوسازی معطوف به مباحث توسعه و مسائل اقتصادی است، بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی جوامع را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا نظریات نوسازی حاوی مفاهیم خاصی است که خواهان ایجاد دگرگونی در ابعاد و مسائل اجتماعی و فرهنگی کشورهای به اصطلاح جهان سوم است. در چنین دورنمایی از نوسازی، تغییر و دگرگونی هم شامل الگوهای مادی زندگی و هم تحول در شیوه تفکر و اندیشه و به‌طور کلی بعد فرهنگی زندگی می‌شود. از مهمترین ویژگی‌های این نظریه این است که نوسازی یک فرایند تدریجی، روبه‌پیشرفت و تک‌خطی است که همه جوامع بشری ناگزیر باید همان مراحل را طی کنند که کشورهای غربی پشت سر گذاشته‌اند. در آغاز این مرحله، جوامع سنتی و در پایان آن جوامع غربی که مترقی قلمداد می‌شوند، قرار دارند؛ بنابراین، نوسازی یک فرایند غربی‌شدن یا به عبارت بهتر، آمریکایی‌شدن است. ایالات‌متحده الگویی برای تقلید دیررسیدگان به عرصه نوسازی بود. از دید حامیان این نظریه، توسعه‌نیافتگی بازتاب دینداری سنتی و ارزش‌های ماقبل‌مدرن است. به این ترتیب کشورهای پیشرفته غربی باید ارزش‌های مدرن را به ملت‌های عقب‌مانده تلقین کنند و به‌وسیله کمک‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی موجبات پیشرفت آن‌ها را فراهم سازند. اهمیت دگرگونی ارزش‌ها در این مکتب به اندازه‌ای است که نوسازی منوط به جایگزینی ارزش‌های جدید به جای ارزش‌های سنتی و ابتدایی است. در نتیجه تغییر ارزش‌ها مهمترین شرط نوسازی بود (Beigdelou, 2016: 75-76).

طبق این نظریه، در کشورهای جهان سوم موانعی وجود دارند که امر توسعه را دشوار می‌کنند. این موانع عبارت‌اند از: وجود نهادها و نظام‌های ارزشی کهنه، افزایش جمعیت، ناکارایی دستگاه‌ها، مشارکت‌نکردن مردم در امور، وجود اعتقادات خاص، کمبود سرمایه‌گذاری تولیدی و... بدین‌سان نظریه مدرنیزاسیون در جستجوی دلایل درونی برای توجیه عقب‌ماندگی است.

(Behnam, 1996: 137). در نتیجه تغییر و نوسازی فرهنگی عامل مهمی در توسعه‌یافتگی بود. بر این اساس، مدل‌های اقتصادی نظریات توسعه، معمولاً با مدل‌های فرهنگی همراه هستند. در این فرایند، اعتقاد بر این است که فرهنگ‌ها در طول تطور خود، از یک مسیر تاریخی مشخصی عبور می‌کنند؛ بنابراین، چند فرض مسلم درباره این تطور وجود دارد: عقب‌ماندگی فرهنگی برخی از کشورهای قدیمی یک تأخر تاریخی است، توسعه فرهنگ این ممالک باید مرحله‌به‌مرحله انجام گیرد، فرهنگ غربی که این مراحل را طی کرده، برتر از دیگر فرهنگ‌ها است و غرب باید به کشورهای عقب‌مانده کمک کند تا این مراحل را بگذرانند (Ibid: 139-140).

نوسازی ایران در دهه‌های 1340 و 1350 با پیروی از نظریه مدرنیزاسیون به‌صورت آمرانه توسط دولت و نخبگان انجام گرفت. ایران نیز مانند بیشتر کشورهای در حال توسعه در آن دوره، بدون آنکه صریحاً اعلام کند برنامه‌های توسعه اقتصادی خود را براساس نظریه مدرنیزاسیون بنا نهاد و رشد اقتصادی را هدف قرار داد؛ یعنی یک حرکت کمی که نتیجه‌اش بالارفتن درآمد ملی بود، به این امید که تحول کیفی جامعه پیامد آن خواهد بود (Ibid: 138).

4. انتقال‌شناسی از سنت به مدرنیته: پیکار با بی‌سوادی

مبارزه با بی‌سوادی و تعمیم آموزش و پرورش از جمله مسائلی است که همزمان با انقلاب مشروطه در ایران، توجه مصلحان اجتماعی و زمامداران را به خود جلب کرد. دولت ایران از همان ابتدا بی‌سوادی را یک مشکل بزرگ اجتماعی عنوان کرد که عواقب وخیم آن در درجه اول مانع پیشرفت سریع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور می‌شد. در نتیجه نخستین قانون تعلیمات اجباری در سال 1290 در مجلس شورای ملی به تصویب رسید (Education Regulations, n.d.:2).

رابطه بی‌سوادی و جاهل‌بودن افراد از مباحثی بود که در دوره قاجاریه و سال‌های پیش از نهضت مشروطه در میان روشنفکران مطرح شده بود. در این فضای گفت‌وگویی، آموزش غربی امری حیاتی برای کسب پیشرفت و آزادی قلمداد می‌شد. آن‌ها استدلال می‌کردند که ایران باید برای دستیابی به آزادی سیاسی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، روش‌های آموزش غربی را اقتباس کند. در نتیجه خواست آموزش اجباری و کاهش شمار بی‌سوادان در صدر مطالبات مشروطه‌خواهان قرار داشت (Manshari, 2018: 26-32).

در دوره رضاشاه، در ادامه ضرورت اقدام علیه بی‌سوادی، اداره تعلیمات اکابر در سال 1315 دایر شد. طبق اساسنامه این اداره بنا شد تا در مدارس روزانه، کلاس‌هایی تحت عنوان کلاس اکابر تشکیل شود تا عموم بی‌سوادان مخصوصاً کارمندان دولت، پیشه‌وران، اصناف، کارگران و... خواندن و نوشتن زبان فارسی را بیاموزند (Journal of Education, 1939. (12).

کلاس‌های اکابر تا پایان دوره سلطنت رضاشاه دایر بود، اما گسترش برنامه به‌صورتی نبود که همه بزرگسالان بی‌سواد را به کلاس جذب کند؛ مضافاً اینکه بی‌سوادان به‌ضرورت سواد اعتقادی نداشتند. در نتیجه تشکیل کلاس‌ها در محدوده شهرها متوقف می‌شد. افزون بر آن، نظر به اینکه گسترش تعلیمات رسمی مملکت در حدی نبود که کلیه کودکان لازم‌التعلیم را دربرگیرد، هر سال چندین برابر این عده بر قدر مطلق بی‌سوادان کشور افزوده می‌شد (Ghasemi & Noori, 1976: 3).

4-1. طرح جهاد ملی سوادآموزی در دهه چهل و پنجاه

در پی ثبات نسبی شرایط سیاسی کشور، نخستین گام عملی برای مبارزه با بی‌سوادی توسط دولت برداشته شد و در سال 1335، در کنار طرح‌های وسیع عمرانی، بی‌سوادی و لزوم مبارزه با آن نیز لحاظ شد. در این زمان، وزارت فرهنگ در راستای برنامه‌های جسته‌وگریخته مبارزه با بی‌سوادی، با همکاری وزارت کشور و اداره تعلیمات اکابر در سال 1335، برای تشویق و هدایت بانوان روستایی به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و آشناسازی آنان به مزایای زندگی نوین در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها و بخش‌ها، انجمن‌هایی از بانوان رؤسای ادارات، دبیران و آموزگاران و سایر بانوان تحصیل‌کرده، کلاس‌هایی تشکیل داد. این انجمن‌ها به کمیسیون‌های فرهنگ، بچه‌داری، خانه‌داری، بهداشت و کلاس‌های اکابر بانوان روستایی تقسیم شده بودند تا از طریق آموزش سواد به زنان روستایی، آنان را با فرهنگ غربی آشنا سازند (Iran National Documents and Library Organization, 297/30805).

با آغاز دههٔ چهل، انقلاب سفید به‌عنوان منشور جدید اجتماع ایران، اصول کلی برنامهٔ مدرنیزاسیون کشور را ترسیم کرد. در این میان، وظیفهٔ زنان خطیر اعلام شد؛ زیرا بر عهدهٔ آنان بود تا اصول این انقلاب را در ذهن و ضمیر فرزندان خود درونی کنند. از طرفی دستیابی به پیشرفت مادی کشور نیازمند به‌کارگیری نیروی فعال آنان در شئون مختلف حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران بود تا روزبه‌روز کشور را به سطح مدرن‌ترین کشورهای جهان برسانند.

(Pahlavi, 1966: 117).

بدین ترتیب، زنان بار دیگر پس از دورهٔ کوتاه سلطنت رضاشاه، محور سیاست‌گذارهای کلان قرار گرفتند. نخستین گام در سیاست‌های جدید، سوادآموزی در جامعهٔ زنان بود. هدف به‌کارگرفتن نیروی انسانی زنان و پرورش استعدادهاى نهفتهٔ آنان بود تا دگرگونی‌های بنیادین را در جامعه تسهیل کنند و جامعه را در مسیر مدرن‌شدن قرار دهند. شمار بسیار زیاد زنان بی‌سواد در ایران و تأثیر عمیق و شدید بی‌سوادی بر کیفیت زندگی و وضع اجتماعی، ایجاد آگاهی و تحرک در جامعهٔ زنان را با مشکلات بسیاری مواجه کرده بود؛ زیرا این مسئله نقش اجتماعی و اقتصادی آنان را محدود می‌ساخت (Weekly bulletin of Womwn's Organization of Iran, 1975, (408): 2).

پس از تشکیل سپاه دانش و تلاش در راه گسترش آموزش ابتدایی در شهر و روستاهای ایران، هنوز شمار بی‌سوادان بسیار بود. در نتیجه ضرورت اقدام مؤثری برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی در میان بزرگسالان و طبقات فعال جامعه احساس می‌شد و همگام با تدوین برنامه‌های کلان عمرانی، تشکیل سازمانی که مسئولیت مبارزه با بی‌سوادی را مستقیماً عهده‌دار شود، ضرورتی ویژه تلقی شد (Ghasemi & Noori, 1976: 11). براین اساس، برنامهٔ سوم عمرانی با شعار «تعلیم سواد برای تأمین

زندگی بهتر» آغاز به کار کرد. جلب افکار عمومی و اقناع مردم به ضرورت فراگیری سواد و ایجاد انگیزه درس خواندن در آنان، یک اصل مهم در نظر گرفته شد (Pahlavi, n.d.: 333-334).

در همین راستا در روز هفدهم شهریور 1344، کنگره جهانی مبارزه با بی‌سوادی با شرکت وزیران آموزش و پرورش و نمایندگان هشتادوشش کشور جهان و نوزده سازمان بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد در تالار مجلس سنای ایران گشوده شد (Iran National Documents and Library Organization, 293/064718). در کنگره تهران، راهبردهای اصلی مبارزه با بی‌سوادی تعیین شدند. ارتباط میان بی‌سوادی و فقر و جهل و عقب‌ماندگی مسلم پنداشته شد. در نتیجه بزرگسالان بی‌سواد، مانع بزرگی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی هر مملکتی محسوب شدند و تنها راه از بین بردن تفاوت کشورهای پیشرفته با کشورهای فقیر و به اصطلاح عقب‌مانده، باسواد کردن بزرگسالان و آگاهسازی آنان به حقوق و وظایف اجتماعی-سیاسی جدید و آماده‌ساختن آنان برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی عنوان شد. به عبارت دیگر، سوادآموزی نباید جدا از دیگر فعالیت‌های عمرانی اجرا می‌شد و این دو کوشش باید مکمل یکدیگر می‌شدند؛ بنابراین سوادآموزی مانند توسعه بهداشت و فرهنگ و تأمین وسایل ارتباطی و فعالیت‌های اقتصادی یکی از ضرورت‌های رشد و توسعه در نظر گرفته شد (Ghasemi & Noori, 1976: 22-27).

سیاست‌گذاران معتقد بودند که فعالیت‌های سوادآموزی را نمی‌توان جدا از هدف‌های رشد و توسعه و تأمین حداقل نیازهای اولیه مردم از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن و بهداشت دنبال کرد. در نتیجه لازم بود سوادآموزی یکی از ابعاد جدایی‌ناپذیر رشد و توسعه تلقی شود و هدف آن نه تنها آموزش الفبا، بلکه آماده‌سازی تدریجی مردم برای مشارکت واقعی در برنامه‌های عمرانی و بهبود شرایط محیط و بالابردن سطح زندگی افراد باشد. در نتیجه سوادآموزی منحصراً یک فعالیت آموزشی تلقی نشد، بلکه همه دستگاه‌های دولتی و ملی در پیشبرد هدف‌های آن مسئولیت گرفتند (Weekly Bulletin of Womwn's Organization of Iran, 1975, (399): 2).

هدف اساسی طرح‌های مبارزه با بی‌سوادی آن بود که بزرگسالان بی‌سواد قادر به کار را به کمک سواد، برای پذیرفتن نقش‌های تازه‌ای در اجتماع آماده سازند. برای رسیدن به این هدف، آموزش سواد محدود به یاد دادن خواندن، نوشتن و حساب کردن ساده نبود، بلکه به بزرگسالان اعم از زن و مرد، اطلاعات کلی و معلومات عمومی و فنی که برای کار و پیشه آنان ضروری قلمداد شده بود، تعلیم داده می‌شد. همچنین دانستنی‌های لازم اجتماعی و فرهنگی به آنان آموزش داده می‌شد تا از این راه موجبات تسریع تغییرات و تحولات جامعه را فراهم آورند (Iran National Documents and Library Organizayion, 297/21691).

5. سازمان زنان ایران متولی برنامه‌های نوسازی فرهنگی

با شکست برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی و عدم دستیابی به افق‌های تعیین‌شده در برنامه‌ها، از سال 1349 طبق دستور کمیته پیکار با بی‌سوادی، انجام امور اجرایی مبارزه با بی‌سوادی به سازمان‌های اجراکننده (ادارات آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی و سازمان زنان) واگذار شد (Ibid, 293/133441).

سازمان زنان به‌عنوان یک مجموعه غیرانتفاعی، به ریاست اشرف پهلوی و نیابت فریده دیبا در سال 1345 با هدف بالابردن دانش فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زنان ایران و آگاه‌کردن آنان به حقوق جدید تشکیل شد. در نتیجه بازسازی فرهنگی، رکن اصلی وظایف این سازمان تعریف شده بود که یکی از راه‌های دستیابی به این هدف، یعنی بازتولید فرهنگ غربی از طریق کوشش در راه تعمیم آموزش و پرورش زنان ایران به‌ویژه پیکار با بی‌سوادی و کمک به گسترش آموزش حرفه‌ای زنان و سپس تجهیز آنان به‌منظور شرکت گسترده در نوسازی ملی بیان شد (Bylaws of the Women's Organization of Iran, n.d.: 3-4).

از آنجا که نرخ بی‌سوادی زنان به‌ویژه زنان روستایی بسیار زیاد بود، این مسئله سدی در برابر برنامه‌های توسعه اقتصادی قرار داشت و حاکی از آن بود که نیروی انسانی زنان در رشد و توسعه و برنامه‌های نوسازی ملی نقشی ایفا نمی‌کند. پیش‌بینی می‌شد در صورت ادامه این روند در سال آخر برنامه عمرانی پنجم، نه میلیون از جمعیت زنان روستانشین بی‌سواد خواهند ماند (Homayounpour, 1974: 5-6).

مهناز افخمی، دبیر کل سازمان زنان ایران در دهه پنجاه و وزیر مشاور در امور زنان در دولت امیرعباس هویدا، تحقق استقلال اقتصادی زنان را اولویت سازمان زنان ایران بیان کرد. او درباره اتخاذ این سیاست توضیح داد که حتی اگر تساوی حقوقی کامل میان زن و مرد بر سایر برنامه‌های سازمان مقدم بود، تأثیر چندانی نمی‌توانست در وضع زنان ایران بگذارد؛ زیرا در آن زمان، زن ایرانی از نظر فکری، احساسی و اقتصادی هنوز وابسته بود. در نتیجه فعالیت‌های اجرایی سازمان بر تأمین استقلال اقتصادی زنان متمرکز شد. واضح بود که استقلال اقتصادی به سطح سواد و آموزش حرفه‌ای بستگی داشت. از این‌رو، هسته مرکزی سازمان روی آموزش سواد و آموزش حرفه‌ای تمرکز کرد. مسئله دیگر، موضوع فرزندان زنان بود که مشکل بزرگی در راه سوادآموزی محسوب می‌شدند. در نتیجه ضرورت نگهداری از فرزندان و شوهرداری به شکل‌گیری مراکز رفاه، تنظیم خانواده و مهدکودک در سازمان زنان برای تغییر شرایط سنتی منجر شد (Iranian Studies Foundation; Oral History Program, 1982: 31-32). بنابراین رسالت سازمان زنان ایران به‌گونه‌ای برجسته و گسترده تعیین شد تا محرک مطلوبی برای تغییر عقاید و افکار سنتی به‌وجود آورد و زمینه لازم را برای پرورش ذهن و خلاقیت زنان فراهم

کند تا موجب دگرگونی بسیاری از روش‌ها و باورها که معلول عوامل اقتصادی دانسته می‌شد، شود؛ زیرا در این سیاست‌گذاری‌ها مهم‌ترین مبنای اولیه آزادی زن با استقلال وی آغاز می‌شد و با آموزش فکری و فنی او برای امرارمعاش، بدون وابستگی به مرد یکی از پایه‌های اساسی آزادی زن را تشکیل دادند (The Report of the Women's Organization of Iran, 1987: 12-13).

5-1. سازمان ملل متحد و تلاش برای جهانی‌سازی ارزش‌های فرهنگی مدرن در موضوع زنان
اولین گام در مسیر تغییر فرهنگی و بسط ارزش‌های مدرن در میان زنان توسط سازمان ملل در بهار 1946 با تشکیل «کمیسون مقام زن» صورت گرفت. این کمیسون با شعار اعتلای مقام زن و ایجاد اصل تساوی حقوقی میان زن و مرد و رفع تبعیض از زنان، ترندگذاری‌های خاصی را برای ایجاد تغییر ذائقه و تصویر ذهنی از زن که در آن مدرنیته ارزش و هرچه جز آن ضدارزش و فرهنگ بود، آغاز کرد. به دنبال آن برابری، صلح و توسعه به عنوان شعار اصلی و راهبردی مسئله زنان، سبب شکل‌گیری شماری قطعنامه و عهدنامه درباره مشارکت زنان در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شد (Weekly Bulletin of Women's Organization of Iran, 1971, 225): 2-3.

با اینکه منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر سندهای بین‌المللی، تبعیض بر پایه جنسیت را ممنوع اعلام کرده بودند، به علت وجود قوانین داخلی، رسوم و عادات سنتی، بسیاری از حقوق و ارزش‌های مدرن اجرا نمی‌شد. سازمان ملل به کشورهای عضو فشار می‌آورد که نه تنها قطعنامه‌ها را اجرا کنند، بلکه سعی داشت در عادات سنتی نیز که برخورداری از این حقوق را محدود می‌ساخت، تغییراتی به وجود آورد. در نتیجه پس از تنظیم عهدنامه‌هایی درباره حقوق سیاسی و مدنی، حق تابعیت و حق رضایت به ازدواج و حداقل سن برای زناشویی، در سال 1967 مجمع عمومی سازمان ملل به اتفاق آراء، اعلامیه الغای تبعیض نسبت به زنان را تصویب کرد و طی سند واحدی، حقوق و آزادی‌های لازم تساوی مردان و زنان را معین ساخت (Ibid, 1974, 356): 2. هدف تغییر طرز تفکر و دگرگونی در نظام ارزش‌ها نسبت به زنان و نقش آنان در خانواده و جامعه و اقناع پذیرش تصویر جدید از زن بود. برای این امر، دستورالعمل‌هایی توسط سازمان ملل متحد طرح و به کشورهای عضو ابلاغ می‌شد (برای مطالعه مفاد این طرح‌ها ر.ک: Ibid, 1974, 363): 7; (362): 3; (361): 7).

بدین ترتیب، بخش عمده‌ای از برنامه‌های آموزشی تدوین‌شده برای زنان در این دوران، منطبق بر اصول و اهدافی بود که سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌هایی در سمینارهای مربوط به زنان تصویب می‌کرد. سازمان زنان ایران یکی از شرکت‌کنندگان ثابت برنامه‌هایی از این دست بود؛ تا جایی که سازمان ملل قصد

داشت، اداره‌ای مربوط به امور زنان با نام «زن و توسعه» را در تهران افتتاح کند که با وقوع انقلاب اسلامی لغو شد (Ibid, 1976, (472): 6; Iran National Documents and Library Organization, 297/19994).

2-5. توسعه نقش زنان و مدرن‌سازی ارزش‌ها توسط سازمان زنان ایران

بدین ترتیب نرخ بالای بی‌سوادی، تعداد زیاد زایمان و عدم فعالیت اقتصادی بانوان، مهم‌ترین موانع رشد و توسعه تشخیص داده شدند. در این ارزیابی‌ها، فعالیت زنان روستایی و عشایری در کمک به همسرانشان و اقتصاد خانواده به عنوان اشتغال محسوب نمی‌شد و هدف از اشتغال، صورتی از فرایند مدرن‌شده آن بود که بی‌سوادی در درجه اول و تعداد زیاد فرزندان موانع اصلی ورود زنان به عرصه اجتماع و نقش‌آفرینی در آن به صورت فعال اقتصادی بودند.

در همین راستا، در جلسات کمیته رفاه اجتماعی مربوط به برنامه چهارم عمرانی، پیشنهادهایی درباره تغییر تصویر ذهنی از زنان و پذیرش نقش‌های مدرن برای آنان داده شد که عبارت بود از: ایجاد مراکز خانه زن برای تمرکز فعالیت‌های زنان و تشکیل جلسات عمومی و برگزاری سخنرانی‌ها و نمایش فیلم‌ها برای به اصطلاح تنویر افکار بانوان و آشناکردن آنان با سبب زندگی نوین و برپاداشتن ضیافت‌ها و کنسرت‌ها برای کسب درآمد و تأسیس کتابخانه و قرائت‌خانه و کانون هدایت زنان دختران جوان و... (Iran National Documents and Library Organization, 95/29311826).

براساس «برنامه کار جهانی زن» مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، طرح «اقدام ملی برای اعتلای مقام زن» تهیه شد تا در درازمدت موجبات مشارکت کامل زن ایرانی را در پیشرفت و توسعه کشور فراهم کند (Ibid, 220/17180). این طرح برای تطبیق با شرایط خاص کشورها به دولت‌ها پیشنهاد شد و در ایران با کمک و همکاری اعضای کمیته عالی همکاری و اعضای شورای مرکزی سازمان زنان ایران در دستور کار قرار گرفت. طرح اقدام ملی ابتدا در انجمن‌های استان و شهرستان و شهر و شورای منطقه‌ای آموزش و پرورش در تمامی کشور به بحث و نظرخواهی گذاشته شد که نتایج این نظرخواهی در هیئت اجرایی حزب رستاخیز مطرح و بررسی و طرح نهایی تهیه شد. برای اجرای آن، در تمام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مسئول، کمیته‌ای به نام «کمیته طرح ملی مشارکت زنان در توسعه» تشکیل شد (Ibid, 275/589).

بدین ترتیب درباره چگونگی تلفیق فعالیت زنان در برنامه‌های عمرانی کشور از نظر مسائل اساسی و سنتی، اصولی مطرح شد تا بعضی از طرز تلقی‌های اجتماعی درباره زنان و مردان که امری صرفاً تاریخی و نه ذاتی قلمداد می‌شدند، از میان برود؛ بنابراین هدف، دگرگونی در نقش زن بود تا از آن طریق بتوان جامعه را تغییر

داد. آموزش و اشتغال، دو جنبه اساسی برای تغییر نقش و موقعیت زن در جامعه ایران تشخیص داده شدند. در همین راستا در برنامه پنجم و ششم عمرانی کشور، توسعه و تعمیم سوادآموزی در بین زنان و توجه ویژه به ازمیان بردن بی سوادی در بین آنان از طریق سوادآموزی تابعی و ارائه تصویری نو از شئون و مقام زن به وسیله ابزار ارتباط جمعی، مطبوعات و کتب درسی و... در نظر گرفته شدند (Ibid, 220/17180; Ibid, 275/131; 297/45372).

براین اساس، به منظور تأمین فرصت های برابر برای مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، ایجاد تحول اساسی در نظام آموزشی ضروری دانسته شد. کلیه نگرش ها و سنن اجتماعی که مشارکت زنان را محدود می ساخت و الگوهای سنتی که تعلیم و تربیت بر مبنای جنسیت را تأکید می کرد، منسوخ و ایجاد تغییرات مطلوب در نظام آموزشی به نفع زنان ضروری عنوان شد. اتخاذ روش های قاطع و سازنده برای ازمیان بردن بی سوادی، تشویق و ترغیب سوادآموزی در حین کار، توسعه فعالیت های بعد از سوادآموزی، تجدیدنظر در مطالب کتاب های درسی ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه و آوردن مطالبی در زمینه نقش مؤثر زن در جامعه و برابری زنان با مردان در فعالیت های گوناگون، گنجاندن مطالب مؤثر در نشریات آموزش و پرورش از جمله مجلات پیک و ترغیب و تشویق زنان برای انجام فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، ملی و میهنی دوشادوش مردان و معرفی زنان در جامعه امروز ایران، توسعه مراکز تربیت معلم دختران و افزایش سهمیه مراکز موجود به منظور جذب بیشتر زنان، آوردن شرح حال زنان نامدار و موفق از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کتاب های درسی و... از جمله این برنامه ها بودند (Ibid, 275/589).

به دنبال آن، به دستور اشرف پهلوی، رئیس سازمان زنان ایران برنامه های تحقیقاتی دامنهداری درباره نقش زن در خانواده و اجتماع به وجود آمد. در همین راستا، با همکاری وزارتخانه های مختلف برای ارزش های جدید و نقش های نوین زن ترندگذاری کردند؛ برای مثال بعضی از مطالب کتب دبستانی تعویض شدند. در کتب جدید زن فردی فعال، باهوش و مترقی معرفی شد (Weekly Bulletin of the Women's Organization of Iran, (421): 5; 1976, (448): 2).

6. طرح تجربی سوادآموزی تابعی زنان

طبق اساسنامه نظام آموزش بزرگسالان در دهه پنجاه، آموزش بزرگسالان شامل دو مرحله سه ساله به عنوان مراحل عمومی و تکمیلی بود. در مرحله عمومی، تجارب کلی در زمینه معلومات نظری و حرفه وفن در حدود تحصیلات دوره عمومی، آموزش رسمی به داوطلبان داده می شد و مرحله تکمیلی شامل مواد درسی در رشته های مختلف تخصصی بود. حداقل سن برای ورود به اولین پایه نظام آموزشی

بزرگسالان شانزده و وزارت آموزش و پرورش مسئول تأیید امتحانات و قبولی داوطلبان بود (Iran National Documents and Library Organization, 297/46552). کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی باید به مدت یک ساعت و نیم در روز و هفته‌ای پنج روز دایر می‌شد. در صورت داشتن محل و آمادگی آموزگار و نوآموزان، تشکیل کلاس در هر ساعتی از روز بلامانع بود. محل برگزاری کلاس‌ها باید توسط شوراهای منطقه‌ای وزارت آموزش و پرورش تأیید می‌شد (Ibid, 297/49035). با توجه به اهداف و سیاست‌های برنامه پنج‌م عمرانی کشور، سوادآموزی در دو سطح حرفه‌ای و تکمیلی طرح‌ریزی شده بود. هدف از اجرای طرح حرفه‌ای، آموزش سواد توأم با حرفه به جوانان بی‌سواد بود، به ترتیبی که ضمن آموختن خواندن و نوشتن و حساب‌کردن به سطحی از مهارت‌های شغلی برسند که در بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی آن‌ها مؤثر باشد. در کلاس‌های سوادآموزی حرفه‌ای رشته‌های نساجی، ساختمان، مکانیک، ذوب فلز و کشاورزی برای مردان و خیاطی و بافندی و بهداشت و تنظیم خانواده و تغذیه و مراقبت از کودک برای زنان به‌وجود آمده بود (Ibid, 297/51299).

در بخشنامه سال 1356 وزارت آموزش و پرورش، برنامه‌های کلاس‌های عمومی و حرفه‌ای تلفیق شدند. در برنامه‌های آموزشی کلاس‌های اول، دوم و سوم دوره عمومی آموزش بزرگسالان، هفته‌ای چهار ساعت درس فنی و حرفه‌ای منظور شده بود که از این چهار ساعت، یک ساعت آن برای تدریس کتاب کار و پیشه و سه ساعت دیگر به مهارت‌های علمی، شغلی و هنری به‌طور عملی اختصاص داشت. در دوره عمومی آموزش بزرگسالان از مواد درسی تعلیمات دینی و اخلاقی، خواندن و دستور زبان فارسی و عربی، دیکته و انشای فارسی، علوم ریاضی، علوم تجربی، تاریخ و جغرافیا و تعلیمات اجتماعی، زبان خارجی، کار و پیشه، مسائل تربیتی و روابط اجتماعی، درس انتخابی (مهارت‌های هنری، عملی و شغلی) امتحان گرفته می‌شد. رشته‌های آموزش خدمات، ماشین‌نویسی فارسی و لاتین، دفترداری و بایگانی، آشپزی و شیرینی‌پزی، خیاطی، گل‌سازی و گلدوزی و کارهای دستی محلی، سوزندوزی‌های محلی و حسابداری نیز برای زنان در نظر گرفته شده بودند (Ibid).

در سال 1352 موافقت‌نامه‌ای بین کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی و سازمان زنان ایران در مورد طرح آزمایشی سوادآموزی تابعی به امضا رسید. سوادآموزی تابعی¹ اصطلاحی است که برای مشخص کردن طرح‌های یازده‌گانه برنامه سوادآموزی تجربی جهانی به‌کار می‌رفت. استفاده از واژه تابع برای نشان دادن تبعیت کردن سوادآموزی از ابعاد و هدف‌هایی جز خواندن و نوشتن بود. مفهوم سوادآموزی تابعی بر مبنای انسان‌گرایی علمی و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی تعریف می‌شد. از این‌رو، سوادآموزی در این طرح به آموزش خواندن و نوشتن محدود

نمی‌شد، بلکه خواندن و نوشتن باید در ارتباط و در کنار هدف‌های دیگر قرار داشت که مبتنی بر تغییر ذهنیت و جهان‌بینی نوسوادان به انسان‌مداری یا عرفی و دنیوی کردن هرچه بیشتر آنان بود. افزون بر آن، در این برنامه‌ها عنصرهای گوناگون آموزشی مانند زبان، حساب، علوم ساده، اطلاعات فنی، آموزش مدنی، هنرهای ساده ترسیمی و جز آن‌ها را نیز دربرمی‌گرفت (*Weekly Bulletin of the Women's Organization of Iran*, 1974, (340): 3-4). به‌منظور اجرای این برنامه در سال 1353-1354 طرحی با عنوان سوادآموزی تابعی زنان روستایی در شهرستان ساوه به تصویب رسید. طرح به‌طور آزمایشی به مدت دو دوره شش‌ماهه از اول تیر 1353 تا تیر 1354 اجرا شد (*Iran National Documents and Library Organization*, 297/45372).

برای جذب بیشتر زنان به کلاس‌های سوادآموزی و رفع موانع در برابر آنان تدابیری اندیشیده شد؛ با توجه به اینکه بیشتر این کلاس‌ها در مناطق کمتر برخوردار و روستایی برگزار می‌شدند، تا حد امکان سعی بر استفاده از آموزگار زن بود. برای سهولت در رفت‌وآمد زنان روستایی، کلاس‌ها در ساعات روز و نزدیک به محل زندگی زنان بی‌سواد برگزار می‌شد؛ به‌ویژه مراکز رفاه خانواده سازمان زنان در روستاها اولویت داشتند. همچنین از وسایل ارتباط جمعی، رادیو و تلویزیون و نفوذ معنوی روحانیون برای ترغیب خانواده‌ها به فرستادن فرزندان و افراد بی‌سواد به کلاس‌ها استفاده می‌شد (*Weekly Bulletin of the Women's Organization of Iran*, (1975, (411): 3).

سرانجام به‌دلیل مشکلاتی از قبیل تعداد ناکافی داوطلب، نبود آموزگار واجد شرایط و داوطلب خدمت در محل، پراکنده‌بودن و دوربودن برخی روستاها، ادراک و قدرت بیان ناکافی به فارسی و جز آن‌ها، 17 روستا و 33 کلاس برای آغاز فعالیت‌ها در نظر گرفته شدند (Homayounpour, 1975: 18). با توجه به اهداف طرح، واحدهای آموزشی نظیر مسئولیت اجتماعی زن دانا و نقش او در تشکیل خانواده، تنظیم خانواده، خیاطی، بهداشت مواد غذایی، کشاورزی، بهداشت محیط، آشپزی، بهداشت فردی، بهداشت مسکن، بیماری‌های رایج و بافندگی تدوین و در کلاس‌ها تدریس شدند (Homayounpour, 1974: 17-18). افزون بر آن، دفترچه‌های تمرین در کلاس و در خانه، پوسترهای آموزشی و تست‌های هفتگی که اجزای تفکیک‌ناپذیر واحدهای درسی را تشکیل می‌دادند، نمونه‌های جالبی از مواد آموزشی به‌شمار می‌رفتند و نقش عمده‌ای در پیشبرد فعالیت‌های طرح داشتند (*Class Workbook for Reading, Writing and Mathematics: Family Plannig 2*, 1974).

در برنامه‌های درسی، نقش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آموزش فرهنگی زنان مورد نظر بود. هدف کلی، آشناسازی زنان با نقش و عملکرد زن مدرن بود. مهم‌ترین ویژگی‌های چنین زنی، استقلال مالی و عاطفی، فردیت و اولویت در پرورش

استعدادها و توانایی‌های شخصی بود. در کنار آن، فراگیری مهارت‌های خواندن و نوشتن و حساب‌کردن، افزایش دانستنی‌های مربوط به نوآوری‌های فنی، آموزش تنظیم صحیح دخل و خرج و پس‌انداز، افزایش شناخت و درک حقوق و تکالیف جدید، افزایش اطلاعات مربوط به وقایع روزمره و مسائل و برنامه‌های محلی را نیز شامل می‌شدند. در نتیجه همه هدف آن بود تا زنان را از چارچوب‌های ارزشی خانواده و مادری و همسری خارج کنند و او را با فضای تازه‌ای که خود در آن محور بود، سازگار سازند (National Literacy Campaign Plan, 1976: 94-95).

7. نتیجه‌گیری

نوسازی به‌عنوان رکن اصلی و راهبردی سیاست‌های کلان ایران در دهه چهل و پنجاه سبب شد تا پس از دوره کوتاه‌مدت سلطنت رضاشاه، زنان بار دیگر محور سیاست‌گذاری‌های کلان قرار بگیرند. دستیابی به توسعه در مرکز این سیاست‌گذاری‌ها قرار داشت. از آنجا که توسعه اقتصادی زیربنای سایر عرصه‌های توسعه در نظر گرفته شده بود، بی‌سوادی معضلی بزرگ در برابر تحقق این هدف شناسایی شد. از سوی دیگر، تغییر بنیادهای فرهنگی جامعه از صورت سنتی به مدرن، عاملی مکمل در دستیابی به توسعه اقتصادی بود. در این میان، با توجه به شمار بسیار زیاد زنان بی‌سواد و نقش تعیین‌کننده آنان در تغییر فرهنگی و درونی‌کردن ارزش‌های مدرن در فرزندان مملکت، مبارزه با بی‌سوادی زنان بزرگسال یکی از ابعاد مهم برنامه توسعه و نوسازی در نظر گرفته شد. افزون بر آن، دگرگونی در نقش‌های سنتی زن و تصویر ذهنی از او در جامعه به‌ویژه در نزد زنان، مهم‌ترین شیوه نوسازی فرهنگی تعیین شد که فقط از طریق آموزش و سوادآموزی تابعی قابل‌دستیابی بود. براین اساس، دو کلان‌طرح «آزادی زنان» و «اعتلای مقام زن» به‌عنوان نقشه راه در برنامه‌های سوادآموزی زنان، واحدهای آموزشی و تربیتی این برنامه‌ها را شکل دادند. هدف از برنامه‌های سوادآموزی، علاوه بر تعلیم خواندن و نوشتن و حساب‌کردن برای کسب استقلال اقتصادی، دستیابی به آزادی فکری و عاطفی زن از کانون خانواده و نقش مادری و آشناسازی او به وظایف و نقش‌های جدیدی بود که زن به‌مثابه یک انسان رها از بند ارزش‌های سنتی می‌توانست در آن ابراز وجود کند؛ یعنی به بازتولید فرهنگ غربی برای توسعه سبکی جدید از زندگی در جامعه بپردازد.

8. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Afkhami, M. (1997). Peaceful Revolution: A Review of the Activities and Achievements of the Women's Organization of Iran (1964-1979). *Iran Nameh Journal*, (59). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/353932> (In Persian)
- Behnam, J. (1996). *Iranians and the Idea of Modernity*. Tehran: Farzan. (In Persian)
- Beigdelou, R. (2016). *The Public Diplomacy of America in Iran during the Second Pahlavi Era*. Tehran: Cultural and Artistic Institute and Publication of the Islamic Revolution Documents Center. (In Persian)
- Bylaws of the Women's Organization of Iran* (n.d.). Tehran: Women's Organization of Iran. (In Persian)
- Class Workbook for Reading, Writing and Mathematics: Family Plannig 2*. (1974). Tehran: Women's Organization of Iran. (In Persian)
- Education Regulations* (n.d.). Tehran: Legal Affairs and Parliamantary Affairs deputy. (In Persian)
- Ghasemi, A., & Noori, M. (1976). *The Fight Against Illiteracy and Adult Education*. Bijan: Research Center. (In Persian)
- Homayounpour, P. (1974). *Functional Literacy*. Tehran: Women's Organization of Iran. (In Persian)
- Homayounpour, P. (1975). *Final Report: Experimental Literacy Plan for the Advancement of Social and Economic Status of Rural Women*. Tehran: Women's Organization of Iran. (In Persian)
- Iran National Documents and Library Organization*, 64718/293; 131/275; 133441/293; 17180/220; 19994/297; 21691/297; 29311826/95; 45372/297; 46552/297; 49035/297; 51299/297; 589/275; 30805/297; 45372/297. (In Persian)
- Iranian Studies Foundation; Oral History Program (1982). *Mahnaz Afkhami; Women's Rights Activist, National University of Iran Professor, Founder of the Women's University Organization of Iran, Secretary-General of the Women's Organization of Iran (1971-1979), Minister of State for Women's Affairs and Social Affairs (1974-1977)*. Washington: Iranian Studies Foundation. (In Persian)

- Manshari, D. (2018). *The Educational System and the Construction of Modern Iran*. Translated by: E.rfan Masleh Mosleh & Mohammad M. Hossein Badamchi. Tehran: Hikmat Hekmat Sina. (In Persian)
- National Literacy Campaign Plan* (1986). Volume. Two2. Tehran: National Committee for the Global Fight aAgainst Illiteracy. (In Persian)
- Pahlavi, M. R. (1966). *The White Revolution*. Tehran: Royal Library. (In Persian)
- Pahlavi, M. R. (n.d.). *Mission for My Homeland*. Tehran: Army Printing House. (In Persian)
- Ranjbar Omrani, H. (2006). *The Women's Organization of Iran*. Tehran: Institute for Contemporary Historical Studies of Iran. (In Persian)
- Sajadi, A. (2018). An Examination of the Organization and National Programs for the Fight Against Illiteracy during the Second Pahlavi Era. *Ganjineh-ye Dar al-Funun Journal*. 1 (3-4).
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2057474>. (In Persian)
- Sajadi, A. (2019). An Analysis of the Performance of the National Committee for the Fight Against Illiteracy in International and National Fields during the Years 1965-1979. *Ganjineh-ye Dar al-Funun Journal*, 2 (5).
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2057468>. (In Persian)
- The Report of the Women's Organization of Iran* (1978). Tehran: Women's Organization of Iran. (In Persian)
- Weekly Bulletin of the Women's Organization of Iran*, 1971, (225), 2-3; 1974, (340), 3-4; 1974, (356), 2; 1974, (361), 7; 1974, (362), 3; 1974, (363), 7; 1975, (399), 2; 1975, (408), 2; 1975, (411), 3; 1975, (421), 5; 1976, (448), 2; 1976, (472), 6. (In Persian)